



زبان آلمانی ترسناک

مجموعه مقالاتی از دیوید چارلستون، آنجلو باتونی، اندرو وایتهد، ورونیکا اونیل...

گودآورنده: لیزا فوران

مترجم: میتراسرحدی



نشر حکمت کلمه

ناشر تخصصی ادبیات و فلسفه

عنوان و نام پدیدآور:	زبان آلمانی ترسناک: مجموعه مقالاتی از دیوید چارلستون، آنجلو باتونی، اندرو وایتهد، ورونیکا اونیل... /مگردآورنده [صحیح: ویراستار] لیزا فوران؛ مترجم: میرا سرحدی. تهران: حکمت کلمه، ۱۳۹۹.
مشخصات نشر:	۳۱۷ ص.
مشخصات ظاهری:	۲-۸۲۹۱۷۸-۶۰۰-۹۷۸
شابک:	فیبا
وضعیت فهرست نویسی:	Translation and philosophy, 2012.
یادداشت: عنوان اصلی:	کتابنامه: ص. ۲۸۹.
یادداشت:	مجموعه مقالاتی از دیوید چارلستون، آنجلو باتونی، اندرو وایتهد، ورونیکا اونیل...
عنوان دیگر:	فلسفه — ترجمه‌ها — تاریخ و نقد — کنگره‌ها
موضوع:	Philosophy -- Translations -- History
موضوع:	and criticism -- Congresses
موضوع:	ترجمه — فلسفه — کنگره‌ها
موضوع:	— Translating and interpreting
موضوع:	Philosophy -- Congresses
شناسه افزوده:	فوران، لیزا، ۱۹۸۰-م.
شناسه افزوده:	Foran, Lisa, 1980-
شناسه افزوده:	سرحدی، میرا، ۱۳۴۹-، مترجم
شناسه افزوده:	چارلستون، دیوید
شناسه افزوده:	Charleston, David
رده بندی کنگره:	B5۲/۶۶
رده بندی دیویی:	۴۱۸/۰۲۰۱
شماره کتابشناسی ملی:	۶۳۲۱۶۰۷



زبان آلمانی ترسناک

مجموعه مقالاتی از

دیوید چارلستون، آنجلو باتونی

اندرو وایتهد، ورونیکا اونیل و ...

گردآورنده: لیزا فوران

مترجم: میترا سرحدی



نشر حڪمت كلمه

HEKMAT KALAME PRESS

زبان آلمانی ترسناک

مجموعه مقالاتی از: دیوید چارلستون، آنجلو باتونی

اندرو وایتهد، ورونیکا اونیل و ...

مگرد آورنده: لیزا فوران

مترجم: میتراسرحدی

طراح گرافیک: محسن توحیدیان

برگ آرا: محمدقاسمی

ویرایش: کارگاه ادبی نشر حڪمت كلمه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

hekmatkalame.com

Email: hekmat.kalame@gmail.com

Telegram: @hekmatkalame

Instagram: @hekmatkalame

Tel: 09365243527

فهرست

- ۷..... تقدیر و تشکر
- ۹..... مقدمه مترجم
- ۱۱..... مقدمه: ارتباط ترجمه و فلسفه
- تئو هاردن از زبان آلمانی ترسناک، یا آیا "Die Geistige Entwicklung" «رشد مغزی»
 ۳۱..... است؟
- ۵۱..... دیوید چارلستون ترجمه کردن ایهام هگل
- ۷۳..... دفنا اردیناست-ولکن! خوانش خود در علامت نقل قول: در تقاطع رشته‌ها
- ۹۵..... اندرو وایتهد ماه‌های بدون ماه و دختری زیبا: ترجمه ای کیو سوجون
- ۱۱۵..... آنجلو باتونی ترجمه و عدالت در پل ریکور
- ۱۳۳..... لیزا فوران ترجمه به مثابه راهی به سوی دیگری: دریدا و ریکور
- ۱۵۵..... الادلا پیدات دلیل ترجمه کردن فلسفه چیست؟
- ۱۸۳..... لذت در ترجمه: ترجمه کردن «اصالت فایده» میل از انگلیسی به چک
 ورونیکا اونیل نقش زیربنایی ترجمه: مبحثی در باب «خویشاوندی» والتر
 ۲۱۱..... بنیامین
- ۲۳۵..... سرگنی تایولنوو و نظام مندی و زیست جهان ترجمه
- ۲۶۳..... فیرگوس دنمن ترجمه، فلسفه، و زبان: کدام به شمار می‌آید؟
- ۲۸۹..... کتاب‌شناسی
- ۳۰۹..... یادداشتی درباره نویسندگان
- ۳۱۳..... نمایه

تقدیر و تشکر

این مجموعه مقالات ماحصل کنفرانسی است که در مارس ۲۰۱۰ در Newman House کالج دانشگاهی دوبلین برگزار شد. با کمال احترام از دانشکده فلسفه این دانشگاه و علی‌الخصوص از سرپرست آن پروفیسور مایوه کوک^۱ برای حمایت سخاوتمندانه از این کنفرانس تشکر می‌کنم که اگر نبود، این کتاب هرگز ایجاد نمی‌شد. همچنین از دکتر جوزف کوهن^۲، که بی‌وقفه حامی این پروژه بودند و نظرات و پیشنهادهایشان در طی مرحله ویرایش باعث ارتقای بیشتر سطح کار نهایی شد، سپاسگزارم. و نیز تشکر می‌کنم از ویراستار کمیسیون کریستبل اسکیف^۳ و ویراستاران مجموعه، پروفیسور تنو هاردن^۴ و دکتر آرند ویت^۵ در انتشارات پیتز لنگ^۶، که همگی در پاسخ به پرسش‌های فراوانی که در حین دوره گردآوری این کتاب ایجاد می‌شد، فوق‌العاده یاری‌کننده بودند. با کمال احترام از تأمین مالی این تحقیق توسط انجمن تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی ایرلند قدردانی می‌کنم.

فلسفه در بیشتر موارد به معنی گشودن فضایی است که در آن امکان پرسش‌گری به‌وجود آید. بدین لحاظ مایلم از تمامی سخنرانانی که در کنفرانس شرکت کردند، تشکر کنم. زیرا مقالات و گفتگوهای زنده آن‌ها در آن دو روز از ماه مارس باعث گشودن فضایی شد که در آن ارتباط میان ترجمه و فلسفه بتواند به انحاء مختلف توصیف شود و مورد پرسش قرار گیرد.

تأمین بودجه برای انتشار این اثر به نحو سخاوتمندانه‌ای توسط دانشگاه ملی ایرلند صورت گرفت. این حمایت مالی در زمان بحران شدید اقتصادی که کاهش بودجه تحصیلی، اغلب در مورد علوم انسانی و اجتماعی، بسیار گسترده است، همچنان در دسترس است. این نه تنها شگفت‌آور، بلکه نشان‌دهنده تعهد حقیقی این مؤسسه به امر تحصیل، کسب دانش و تحقیق است. چنین تعهدی قابل تحسین است و مایلم با کمال ارادت از دانشگاه ملی ایرلند تشکر کنم.

1. Maeve Cooke 2. Dr Joseph Cohen
3. Christabel Scaife 4. Teo Harden
5. Dr Arnd Witte 6. Peter Lang

مقدمه مترجم

پیوند مطالعات ترجمه با رشته‌های دیگر، مسائل مورد بحث در این رشته را به فراتر از «متن» کشانده و مسائل فرهنگی، اجتماعی و فلسفی را نیز در بر گرفته و گاه شبکه پیچیده‌ای از مطالعات بینارشته‌ای را ایجاد کرده است. مطالعات ترجمه در چارچوب رویکردهای مختلف علوم دیگر، با روش‌شناسی‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته و از طریق این مواجهه بینارشته‌ای مرزهای خود را بسط داده و بر غنای محتوای خود افزوده است. عدم تصلب و انعطاف‌پذیری این رشته در ملاحظه تعامل آن با سایر رشته‌ها آشکار می‌شود: در بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی بررسی تأثیرات ترجمه‌ای بخشی جدایی ناپذیر از آن محسوب می‌شود. فلسفه یکی از موضوعات جذابی است که به طرق مختلف ارتباط متقابل با ترجمه دارد و از نقاط ارتباط میان این دو ثمرات عملی بسیاری حاصل شده و ترجمه گفتمان‌های فلسفی، و نیز فلسفه

ترجمه متون غیر فلسفی، مورد توجه بسیاری از متفکران فلسفه بوده است.

مقالات موجود در این کتاب تحقیقات رشته مطالعات ترجمه و فلسفه را مورد ملاحظه قرار داده‌اند. نتیجه کلی که می‌توان از آن حاصل کرد ارائه تصویری از مطالعات ترجمه به صورت رشته‌ای با تأثیر گسترده و پویاست که تعامل آن با رویکردهای مختلف در رشته‌های مختلف فرصت مغتنمی برای تعمیق فهم و ارتقاء جایگاه این تحقیقات در اختیار می‌گذارد.

سه مقاله از این مجموعه مقالات با ترجمه این بنده در نشریه اطلاعات حکمت و معرفت منتشر شده است. از جناب آقای دکتر انشاء الله رحمتی، مدیر مسئول نشریه، بابت حمایت و تشویق‌های ارزشمندشان که انگیزه ترجمه کامل کتاب بوده است، نهایت تشکر را دارم. هم‌چنین از جناب آقای دکتر محمد مهدی اردبیلی بابت برخی اصلاحات در متون مربوط به فلسفه هگل و راهنمایی‌های مفیدشان بسیار متشکرم.

میترا سرحدی

مقدمه

ارتباط ترجمه و فلسفه

این مجموعه مقالات برگرفته از کنفرانسی است به همین نام که در نیومن هاوس^۱ دوبلین در مارچ ۲۰۱۰ برگزار شد. در هنگام کار بر روی دکتری فلسفه با تمرکز بر ژاک دریدا، ترجمه و دیگری؛ و تمرین ترجمه، ارتباط این دورا مورد سؤال قرار می‌دادم.

به نظرم می‌رسید که این دو رشته مدام در حال گفتگو با یکدیگر بوده‌اند، اما گفتگویی که دست‌کم به ظاهر، در همه موارد و به خصوص در بخش انگلیسی زبان دنیا، به انحاء مختلف وادار به سکوت شده است. من با زمینه دانشگاهی انگلیسی زبان، اولین بار از طریق ترجمه فلسفه را تجربه کردم و با وجود آشنا شدن با اصطلاحات غیرانگلیسی، فحوای این اصطلاحات را در زبان انگلیسی، که زبانی متفاوت با زبان اصلی بود، یافته بودم. بسیار عجیب بود که می‌دیدم فلسفه، چندان به تبیین ترجمه و فرایند آن

1. Newman House

نپرداخته است. در زمانه‌ای که انگلیسی هرچه بیشتر تبدیل به زبان بین‌المللی گفتگوها می‌شود، به نظر می‌رسد که باید توجه زیادی مصروف این پرسش شود که صحبت کردن به زبان ترجمه به چه معناست؟

تناقض جهانی بودن زبان انگلیسی در زمانه ما این است که از سویی امکان ارتباط و گفتگو را فراهم می‌کند، و از سوی دیگر، این پرسش را به وجود می‌آورد که خطرات یکسان‌سازی گفتگو و انحصار آن تنها در یک زبان چیست. اما از منظری دیگر، امکان این پرسش نیز وجود دارد که چرا در فلسفه، زبان انگلیسی، به عنوان مثال آن‌طور که در علم مورد پذیرش قرار گرفته، به صورتی یک‌دلانه پذیرفته نشده است. مطالعات ترجمه، رشته‌ای که از آغاز پیدایش خود در ۱۹۷۰، هنوز در حال توافق بر سر مرزهای خود است، روز به روز اهمیت بیشتری برای نکات عملی ترجمه قایل می‌شود. بسیاری از دوره‌های مطالعات ترجمه بر روی پیشرفت‌های تکنولوژیکی که در این حوزه ایجاد شده تمرکز دارند، و دانشجویان، در تلاش برای پاسخ‌گویی به نیازهای بازار کار رقابتی، بیش از پیش از فلسفه ترجمه دور می‌شوند.

منظور این نیست که هیچ گفتگویی بین ترجمه و فلسفه وجود نداشته است. اندرو بنجامین، گایاتری چاکراوورتی اسپواک، مارک کرپتون، لارنس ونوتی، ژوزف گراهام، کاتلین دیویس از جمله افرادی بودند که آثارشان در افزایش آگاهی درباره این موضوع بسیار مؤثر بوده است.

پاسخ شگفت‌انگیزی که به فراخوان مقاله داده شد، آشکار کرد که این موضوعات ذهن افراد بسیاری را، در رشته‌های مختلف و البته با زبان‌های مختلف، اشغال کرده است. عمل ترجمه به طور قطع به ایجاد پرسش‌های عمیق فلسفی منجر می‌شود. چگونه می‌توان به طور دقیق گفت که یک کلمه/جمله/عبارت چه معنایی دارد؟ ماهیت حقیقی معنا چیست؟ تا چه اندازه معانی مختلف یک کلمه، معنای آن را در زبانی دیگر محدود و معین می‌کنند؟ انتخاب و رجحان یک کلمه بر کلمات دیگر توسط مترجم از منظر علم اخلاق چگونه بررسی می‌شود؟ مترجم تا چه حد «از زبان نویسنده» سخن می‌گوید؟ یک متن تا چه حد مستلزم ترجمه شدن است؟ آیا در فرایند استحاله متن، به راستی چیزی از دست می‌رود یا آیا در واقع تنها چیزی از دست می‌رود که بیش از این تسلیم جریان استحاله نمی‌شود؟ در مورد فلسفه، به احتمال زیاد بیش از سایر ژانرها، محدوده ترجمه، در تلاش برای انتقال اصطلاحاتی که در زبان مقصد موجود نیستند، گسترش می‌یابد. کلماتی مانند *Dasein*, *Geist*, *différance*، از جمله کلماتی هستند که در جهان فلسفی انگلیسی زبان رواج دارند، این امر چه تأثیری بر انگلیسی به عنوان یک زبان عمومی می‌گذارد؟ آیا می‌توان گفت که فلسفه نوعی ترجمه است؟ با توجه به اینکه بسیاری از آثار فلسفی به صورت ترجمه خوانده می‌شوند، فلسفه تا چه حد به ترجمه وابسته است؟ ترجمه تا چه حد آثار فلاسفه را تغییر داده یا آن‌ها را بازآفرینی کرده است؟ فلسفه. از دکارت تا کواپن، اغلب تلاش

کرده تا یک «نظریه ترجمه» ایجاد کند، این نظریه‌ها، در صورت وجود، چه تأثیری بر عمل ترجمه دارند؟

این پرسش‌ها نه تنها برای مترجم، بلکه برای [متخصص] هر رشته‌ای که جویای تبیین، یا دست‌کم توصیف تجربه در جهان بودن است، جهانی که به انحاء مختلف از علائق و افعال زبان‌شناختی ما تأسیس و ساخته شده، وجود دارند. این پرسش‌ها پیش‌برنده این مجموعه نیز هستند. پرسش‌هایی که ممکن است پاسخ‌های سراسری نداشته باشند اما به احتمال زیاد مفیدترین پرسش‌هایی هستند که دقیقاً، پرسش‌های بیشتر، و شگفتی بیشتری را درباره جهانی که ما خود را در آن می‌یابیم، به وجود می‌آورند.

این مجموعه را با مقاله‌ای از تئو هاردن^۱ آغاز می‌کنیم که دارای عنوانی بازیگوشانه است: «زبان آلمانی ترسناک، یا، آیا *Die Geistige Entwicklung* به معنی «رشد ذهنی»^۲ است؟». بخشی از عنوان این قسمت از ویلهلم فون هومبولت^۳ و بخشی از آن از مارک تواین گرفته شده است. هاردن استدلال می‌کند که اگرچه مطالعات ترجمه در مباحث زنده مربوط به ترجمه ادبی حضور دائمی دارد، در مسائل بسیار خاصی مانند ترجمه متون فلسفی تا حد زیادی خاموش مانده است. بسیاری از این مسائل، ریشه در ماهیت پرایهام فلسفه دارد، ایهامی که مترجم را، به جای

1. Theo Harden

2. The Mental Development

3. Wilhelm von Humboldt

پذیرش ابهام عمدی و سودمند موجود در یک متن، وادار به تصریح آن می‌کند. مقاله بر مسئله ترجمه کردن اسم آلمانی *Geist* و صفت مشتق از آن *geistig* تمرکز دارد. هاردن با پیگیری این مسئله‌مندی از طریق تعادل شکلی و دینامیک^۱، به این نکته توجه می‌دهد که با وجود اینکه ممکن است مترجم با ترجمه *Geist* به اسم انگلیسی *Spirit* (روح) وظیفه خود را به انجام رسانده باشد، به کار بردن صفت انگلیسی آن *spiritual* (روحانی) به عنوان معادل فرضی آلمانی آن *geistig*، شدیداً مسئله‌ساز است. هاردن با مطرح کردن ادعای جانانان ری^۲ مبنی بر اینکه فلسفه همیشه ترجمه است، می‌گوید که «متون فلسفی دارای یک «وطن» نیستند، آن‌ها ماهیتی چندزبانه و مبهم دارند، و به همین دلیل تا این حد کنجکاوی را برمی‌انگیزند.» هاردن این مقاله را با ترجمه جدید و مبدعانه‌ای از *Geist* به پایان می‌برد- غافل‌گیری که قصد ندارم در این جا آن را فاش کنم!

Geist و ابهام متون فلسفی، نقطه تمرکز مقاله دیوید چارلستون^۳ با عنوان «ترجمه کردن ابهام هگل» است. این مقاله پاسخی مستقیم به یکی از پرسش‌هایی است که پیش‌تر مطرح شد، یعنی: «ترجمه تا چه حد آثار فلاسفه را تغییر داده یا آن‌ها را بازآفرینی کرده است؟». با بررسی سه ترجمه متفاوت از پدیدارشناسی روح هگل، چارلستون این واقعیت (اغلب مغفول) را برجسته می‌کند که هر مترجم درون زمینه تاریخی خاصی

1. formal and dynamic equivalence

2. Jonathon Rée

3. David Charlston

عمل می‌کند و تحت تأثیر ملاحظات خاص اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی قرار دارد. این که چگونه این ملاحظات بر روی ترجمه‌ای که تولید می‌کند تأثیر می‌گذارند، به احتمال زیاد در راهکارهایی که در ترجمه متون دارای ایهام اتخاذ می‌کند، آشکار می‌شود. چارلستون با تأکید مجدد بر اهمیت زمینه تاریخی، نه تنها برای مترجم هگل، بلکه برای خود هگل، به میزان اهمیت ایهام در محیط فرهنگی هگل می‌پردازد. او استدلال می‌کند که ایهام، که واکنشی به جزمیت معروف برخی از فیلسوفان پیشا-کانتی مانند کریستین ولف^۱، و یک سبک رایج ادبی بود، «به‌عنوان نقطه عزیمت اصلی برای فلسفه نظری» توسط هگل به کار گرفته شد. بررسی یک جمله بسیار مهم و در عین حال مبهم از پدیدارشناسی، نه تنها به طرز ماهرانه‌ای استفاده سنجیده از ایهام، بلکه انگیزه‌های ایدئولوژیک مترجمین آن را به تصویر می‌کشد. از انگیزه ایده‌آلیستی بریتانیایی در برگردان مسیحی بیلی^۲، تا ترجمه «راست‌هگلی» میلر^۳ که در پس آن انگیزه‌های ضد مارکسیستی وجود دارد، تا نسخه «جماعت‌گرایانه» پینکارد^۴. چارلستون توضیح می‌دهد که نه تنها هر ترجمه یک تفسیر شخصی و بلکه فلسفی است، بلکه هر ترجمه جدید، به یک هگل «جدید» ختم می‌شود.

«خوانش خود در علامت‌های نقل قول: در معبر رشته‌ها»

نوشته دفنا اردیناست-ولکان^۵، برای فهم آن چه «پویاشناسی

1. Christian Wolf

2. Baillie

3. Miller

4. Pinkard

5. Daphna Erdinast-Vulcan

خود-ترجمه»^۱ می‌نامد، فلسفه، ادبیات و روانکاوی را با هم می‌آمیزد. او مقاله را با ملاحظه تنش بین امر آشنا^۲ و امر ناآشنا^۳، که هم در ترجمه به‌عنوان «انتقال معنا از زبان مادری به زبانی دیگر» و هم در مفهوم روان‌کاوانه «انتقال» عمل می‌کنند، آغاز می‌کند؛ و از طریق تجربه ترجمه در نویسندگان مهاجر، غیرقابل شناخت بودن ترجمه را طرح‌ریزی می‌کند. او مواجهه اوا هوفمن^۴ با «انفصال رادیکال کلمه و شیء»، که در خود-ترجمه اتفاق می‌افتد، و نتایج هستی‌شناسانه آن را برجسته می‌سازد. اردیناست-ولکان بیان می‌کند که خود ترجمه شده، در خانه خود و به خود مطمئن نیست. جوزف کنراد که متولد لهستان است، البته، نمونه‌ای عالی از نویسندگان مهاجر است که نه به زبان دوم، بلکه به زبان سوم خود می‌نوشت. اگرچه ممکن است به نظر برسد که کنراد، برخلاف کسانی که اغلب به او استناد کرده‌اند، مانند بکت یا کوندرا، نوستالژی یا آرزویی برای بازگشت به «وطن» را در آثارش بیان نکرده، اردیناست-ولکان ما را به لایه عمیق‌تر اثر او وارد می‌کند. او می‌گوید که ممکن است آثار او اتوبیوگرافی نباشد اما چیزی است که او آن را «هتروبیوگرافی» می‌نامد. به این معنی که اگرچه اتوبیوگرافی شامل نوعی تحدید خود است، هتروبیوگرافی رفتاری را آشکار می‌کند که در آن محدودیت‌ها و مرزها تا حدی نفوذپذیر هستند.

1. The dynamics of self-translation

2. Heimlich

3. Unheimlich

4. Eva Hoffman

استدلال او این است که اثر کنراد، به طور پیوسته به غرابت درون خود بازمی‌گردد- غرابتی که او از طریق خود-ترجمه خود کاملاً با آن آشنا بود. او به این حقیقت اشاره دارد که این نویسندگان مهاجر در یک معنای خاص تنها نمونه‌ای هستند از این که- همان گونه که دریدا و فروید ذکر کرده‌اند (البته به نحوی کمی متفاوت)- همه ما درگیر فرایند خود-ترجمه هستیم. زبان، خود را می‌سازد و در عین حال همواره برای خود، دیگری است، از این رو همواره هم برای و هم از دیگری است.

«ماه‌های بدون ماه و دختری زیبا: ترجمه ای کیو سوجون»
نوشته اندرو وایتهد^۱، به تحقیق درباره ماهیت ترجمه فلسفی، هم به لحاظ ترجمه متون فلسفی و هم به لحاظ لزوم درگیر شدن در فلسفه در عمل ترجمه، می‌پردازد. وایتهد اثر جیمز هایزیش^۲ را به میان می‌آورد تا به فهم ترجمه فلسفه نزدیک شود. او با بررسی شعری از متفکرزن، ایکو و تعدادی از ترجمه‌های موجود، میزان برساخته شدن «معنا» را، نه تنها توسط متن، بلکه توسط رویکرد مترجم به متن، مورد تأکید قرار می‌دهد. او با بررسی چهار ترجمه از شعر ذکر می‌کند که در هر مورد، مترجم به میزان زیادی تفاسیر خود را بدون درگیری کامل با انگیزه‌های فلسفی که در پس شعر وجود دارد، به ترجمه تحمیل کرده است. در نتیجه عدم درگیری با فلسفه، که در این مورد عقاید ذن است، ترجمه‌هایی که تولید شده‌اند به خود فلسفه وفادار نیستند. وایتهد با تحسین ظرافت‌های

1. Andrew Whitehead

2. James Heisig

موجود در آثار متفکرانی مانند ناگار جونه^۱ و لینجی^۲ ترتیبی می‌دهد تا در ترجمه اصلی خود، بین ورود به دنیای شاعر و ایحاد یک تفسیر شخصی توازنی برقرار کند. اما آنچه قابل توجه است، این است که این تمهید فلسفی متوازن، نه تنها ترجمه‌ای نزدیک‌تر به «معنا»ی اصلی، بلکه نزدیک‌تر به فرم و ریتم موجود در شعر تولید می‌کند. به این ترتیب، نشان می‌دهد که توجه به فلسفه ترجمه‌ای ایجاد می‌کند که هم به خود فلسفه وفادار است و هم به لایه‌های متعدد معنایی-معانی بیان شده توسط کلمات، ریتم، ساختار و غیره- که در یک متن وجود دارد. بنابراین، ترجمه در اکیدترین معنی خود یعنی «انتقال»، تنها در صورتی می‌تواند به‌واقع اتفاق بیفتد که تحت هدایت فلسفه قرار بگیرد.

«ترجمه و عدالت در پل ریکور» نوشته آنجلو باتن نسبت میان این دو موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد و نیز چارچوب هریک را در آثار اخیر ریکور مشخص می‌کند. باتن متذکر می‌شود که ریکور سال‌های آخر عمر خود را صرف تمرکز بر مسئله عدالت کرد و بر اساس آثار پیشین او نقش محوری اصل هرمنوتیک فاصله‌گیری را مورد تأکید قرار می‌دهد. در نوشتن، گفتار تبدیل به امری متعین می‌شود و از ایجادکننده خود فاصله می‌گیرد. ترجمه/تفسیر، پاسخی به این فاصله‌گیری، به این متعین شدن است، و از همین طریق است که خود به شناخت خود می‌رسد، بلکه در واقع بر ساخته می‌شود. از نظر ریکور، امر قضایی ما بین فلسفه اخلاق

1. Nāgārjuna

2. Linji Yixuan